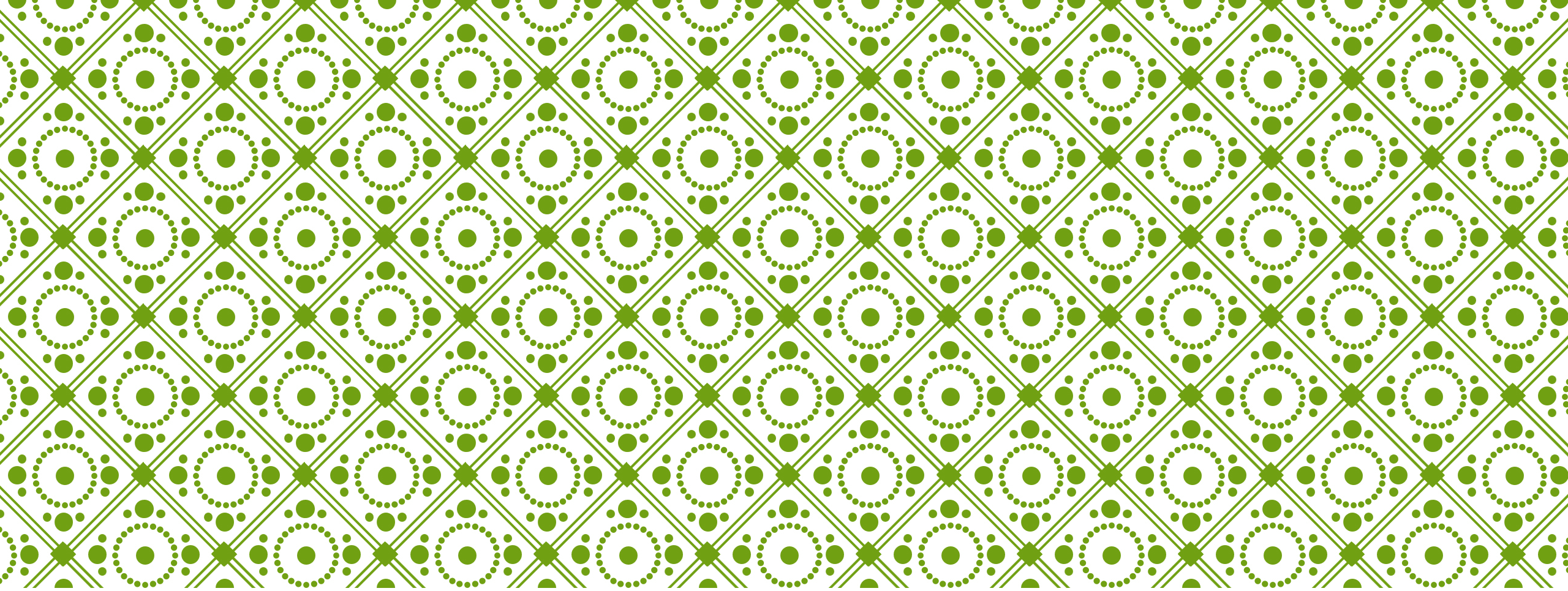


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کرونا و اشنایر ز دایر لار  
آموزشگر در آموزش عالم



دکتر محمود مهرمحمدی  
استاد دانشگاه تربیت مدرس  
مطالعات برنامه درسی و آموزش

---

ابعاد انسان اجتماعی کرونا در ایران  
پژوهشگاه علوم انسان  
۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹





مرض بھٹ



معتقدم آموزش عالی ما در بعد شیوه‌های آموزش و  
پداگوژی دچار رکود و سکونی مزمن از حیث نوآوری  
شده است که می‌توان به آن

**"برهوت نوآوری در آموزش"**

یا

**"خواب زمستانی آموزش"**

اطلاق کرد.



کرونا چه کرد؟





دو کار مهم!



## نخست:

هشیار نسبت به اصل  
کارکرد آموزش در دانشگاه





□ خط بطلان بر این تصور که دانشگاه با روشن نگاه داشتن مشعل ترویج دانش از طریق آموزش، مشعل دانشگاه نسل اول روشن نگاه داشته می شود که البته متعلق به گذشته و یک **پدیده اناکرونیک** و بدون توجه در زمان حاضر است!!! باید به استقبال دانشگاه های نسل دوم و سوم و چه بسا چهارم برویم!!!



□ احتمالا این تصور غلط در شکل گیری برهوت نوآوری در فرآیند های یاددهی یادگیری نقش داشته است. تصویری که با شیوع ویروس کرونا نسبت به آن "خودآگاهی جهانی" پدید آمد:

□ آموزش با نهاد دانشگاه عجین است و بدون عنصر آموزش دانشگاه، دانشگاه نیست.



دوم:

هشیار نسبت به ماهیت "آموزش" "آموزش" "آموزش"  
آموزش و ضرورت اهتمام نسبت به ارتقاء  
کیفیت آن



**دوم:**

**ادامه بحث ما در این حوزه دنبال می  
شود.**





□ مشاهدات و مطالعات من نشان می‌دهد تدریس دانشگاهی هرگز مختارانه و داوطلبانه به سمت برهوت‌زدایی حرکت نکرده و وصف برهوتی آن پابرجا مانده است.

□ کرونا مانند ابر بهاری بر این وادی خشک بارید و در نتیجه اندک غنچه‌های تغییر و نوآوری در آن رویید!



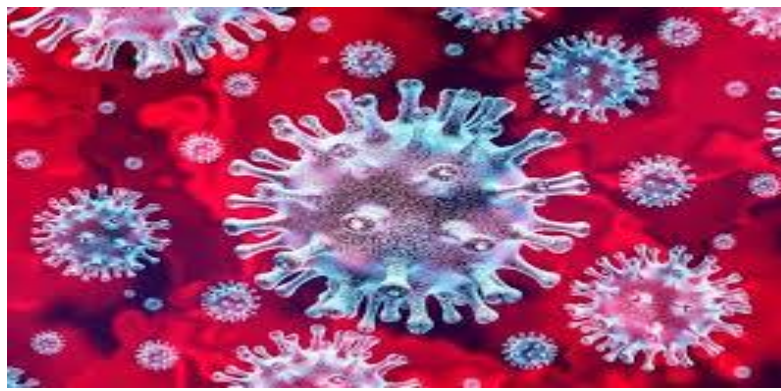
□ شوک کرونا سبب شد **وجه پرابلماتیک آموزشگری (سهل و آشنا پنداشته شدن کنش آموزش) در آموزش عالی رخ بنماید و از امر آموزشگری آشنایی زدایی شود!**

□ ناگهان استادان پشت در کلاس ها ماندند و آموزش چون یک امر غریب و نا آشنا خودنمایی کرد و آموزشگران را با چالش و استرس مواجه ساخت!



□ این وجه پرابلماتیک، همان غیراقتصادی تلقی شدن آموزشگری نزد عموم استادان و حتی سیاستگذاران آموزش عالی است. برپایه این نگاه غالب، آموزشگری همان پدیده‌ای است که گویی **هم آیند و هم زاد بی بها و هزینه پژوهشگری** است که البته برای کسب آن باید بسیار بها پرداخت و هزینه کرد (چه مادی و چه معنوی). □ گویی با رسیدن به مرز دانش و کسب صلاحیت پژوهشگری در رشته‌ای خاص، قابلیت آموزشگری نیز به پاس تلاش‌های مربوط در آن عرصه، رایگان به فرد اعطاء می‌شود!

□ اشانتیون یا دستخوش که در عالم کسب و کار... **مثل این که آموزش در عالم آکادمی حکم همان اشانتیون در عالم کسب و کار را دارد!!!**



□ متخصصان آموزش هرچه تلاش می کردند آموزش را به مثابه یک امر تخصصی به استادان معرفی نمایند که تحصیل و کسب مهارت و قابلیت در آن نیازمند تلاش سیستماتیک است و خود به خود بدست نمی آید، راه به جایی نبردند. **چون عموم استادان قائل به صبغه تخصصی برای آموزش نبودند و آموزشگری را فاقد بعد تخصصی (دانشی و مهارتی) می دانستند.**





□ کاری که از عهده متخصصان حوزه آموزش بر

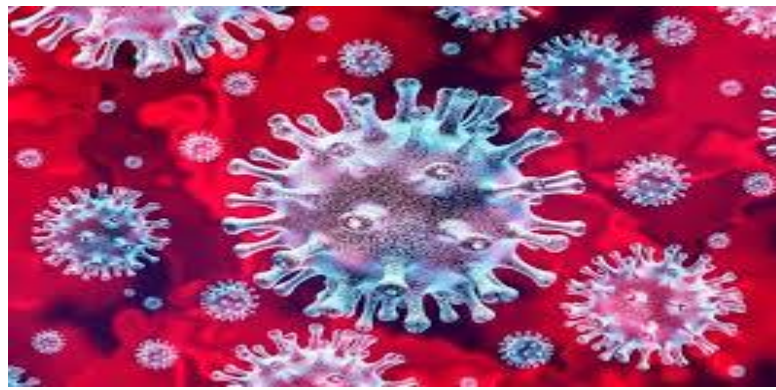
نیامد از عهده شوک کرونا برآمد!

□ استادان ناگهان با تمام وجود با واقعیتی مواجه شدند که

با پیش فرض‌های آنان درباره آموزش و آموزشگری

تطبیق نمی‌کرد.

□ پیش فرض چه بود؟



□ "می دانیم (دانش تخصصی) ، پس می  
توانیم (جریان آموزش را به نیکویی هدایت  
و مدیریت کنیم)"  
یا

"دانستن، توانستن است."

□ سخنرانی می کنیم و هدف های مورد نظر درس و رشته  
بدست می آید.



- اکنون امکان حضور در کلاس درس و ارائه مستقیم بحث و درس از آنان سلب شده و گویی یگانه سلاحشان را کرونا از آنها ربوده است!!! و آنها را **ناتوان ساخته بود.... دانستن برابر با توانستن نیست!!!**
- برای حضور در عرصه آموزشگری باید مهارت‌هایی را کسب می‌کردند تا بتوانند از عهده وضعیت حادث شده برآیند و **آموزش را به جبر زمانه با تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات درآمیزند.**

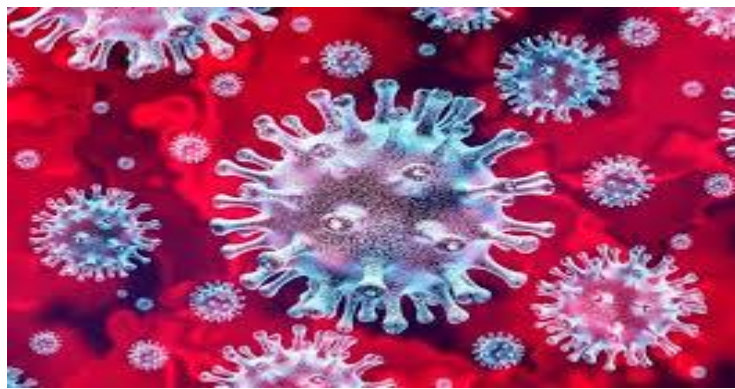


□ کرونا با اقتضائات خاص خودش شاید برای نخستین بار کسب دانش و مهارت در این زمینه را مطرح کرد و به آن موضوعیت بخشید. البته استرس های خاص خودش را هم به همراه داشت که یک تجربه تازه و بی سابقه برای اکثر استادان بود.





بازگشت به استعاره برهوت و  
خواب زمستان



□ برهوت‌زدایی از عرصه آموزش‌گری آموزش عالی تنها در گرو این اتفاق نیست، اما آموزش مبتنی بر وب، به صورت برخط یا نابرخط، می‌تواند حکم "تلنگری" را داشته باشد که سبب هوشیاری نسبی استادان نسبت به ضرورت کسب مهارت و قابلیت ویژه آموزش‌گری شده و امید است با تبدیل به هوشیاری کامل تر و جدی‌تر توجه به سایر ایده‌ها و دستاوردهای متنوع و گسترده دانش در حوزه یاددهی یادگیری را در پی داشته باشد.



□ بله، آنچه اتفاق افتاد را صرفاً یک شروع مبارک و مغتنم باید ارزیابی کرد که تنها قطعه‌ای از پازل چندین و چند تکه قابلیت آموزشگری در آموزش عالی را شامل می‌شود.

□ یعنی کاربرد تکنولوژی آنلاین و آفلاین برای آزاد کردن تمام و کمال (صد در صد) فرآیند یاددهی یادگیری از قید مکان و حضور فیزیکی (که شاید جز در موارد بحران و اضطرار بهترین گزینه هم نباشد).



□ اتفاق دوره کرونا در واقع تنها بخشی از یک "پرونده" و آنهم "پرونده" ورود تکنولوژی به عرصه ایجاد تحول در آموزش و بهبود کیفیت تدریس است.

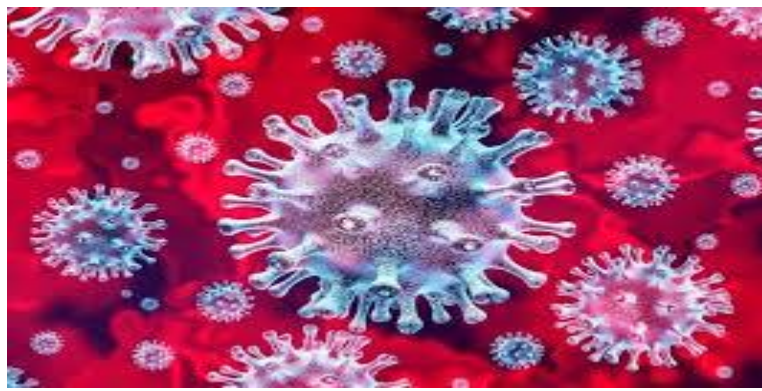
□ تحول در آموزش و ایفای نواورانه و مسئولانه نقش آموزشگری بعنوان یک عضو هیات علمی، شامل "پرونده های" متعدد دیگری می شود که موضوع بحث کارگاه های آموزشی است و **چه بسا وابستگی اینچنینی به اینترنت، فضای مجازی و محتوای الکترونیک نیز نداشته باشد.**





□ منظور امکان رجوع به انبوهی از استراتژی های تدریس است که می تواند فضای درس و بحث را متحول و شاد و فعال کند و از خمودگی **lecture** یا استاد محوری رهایی می بخشد اما در آن یا نشانی از تکنولوژی دیجیتال نیست یا کاملاً در حاشیه است.

□ مثلاً: بازی گونه ساختن غیر دیجیتال درس، حل مساله در قالب گروه های کوچک، تدریس تیمی، تدریس مبتنی بر پورتفولیوی دانشجویان، تدریس مبتنی بر آموزش دانشجویان به یکدیگر و ... با سرچ در اینترنت می توانید موارد بیشتری از این دست را شناسایی کنید.



- تازه، چشم انداز دلربا تر از برهوت زدایی هم در قالب "آموزش پژوهی" (دانشگاه آموزش پژوه و استاد آموزش پژوه) جلوه گر می شود.
- بر اساس آن استادان رشته های مختلف علاوه بر "مصرف" دانش تخصصی آموزش برای ایفای کارآمدتر نقش آموزشی خود، دست بکار اجرای پژوهش در کلاس درس و "تولید" دانش آموزش در رشته خود نیز می شوند.



## جمع بند:

- کرونا سبب شد کار برهوت زدایی یا بیداری از خواب زمستانی از این "پرونده" آغاز شود.
- اولاً، این آغاز را نباید پایان و غایت کار بحساب آورد.
- ثانياً، در همین "پرونده" نیاز به کار سیستماتیک اعم از برگزاری کارگاه ها و دسترسی به منابع راهنما داریم تا بتوانیم ورود عجولانه و ناگهانی کنونی را که قطعاً معرف بکارگیری حرفه ای و استفاده حداکثری از زیرساخت های برگزاری کلاس مجازی نیست را به سطح مطلوب برسانیم.



## جمع بندی:

تابستان ۹۹ بهترین فرصت برای تدارک جنین اتفاقاتی است. چرا که علاوه بر ارزشمندی بالذات آن بعنوان یک شایستگی آموزشگری، بعید نیست دنیا و ایران با منع تشکیل کلاس های حضوری در نیمسال بعد هم مواجه باشد و در اینصورت انتظار می رود با مهارت و چیرگی بیشتری کلاس های مجازی به اجرا گذاشته شوند.



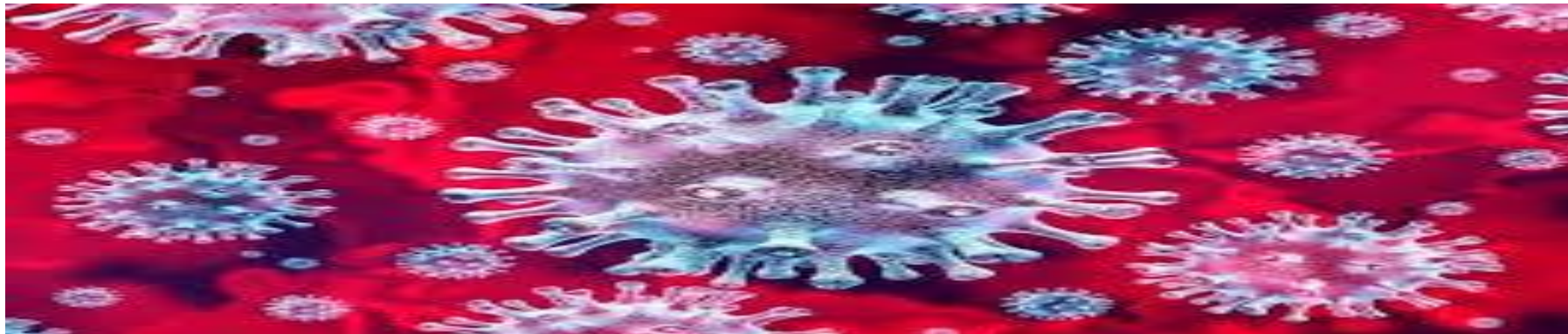


## جمع بند:

- بویژه این که با استفاده از ظرفیت بسیار متنوع پلتفرم های آموزش مجازی، کلاس های مجازی را از استاد محوری یا ادامه **lecturing** خلاصی بخشیم.
- همچنین ارزشیابی و آزمون را باید بگونه متفاوتی فهم و عملیاتی کنیم که با فضای مجازی و دسترسی دانشجویان به همه منابع سازگاری داشته باشد. مثلا استفاده از **digital portfolio** می تواند در دوره های آموزشی مورد تاکید قرار گیرد.

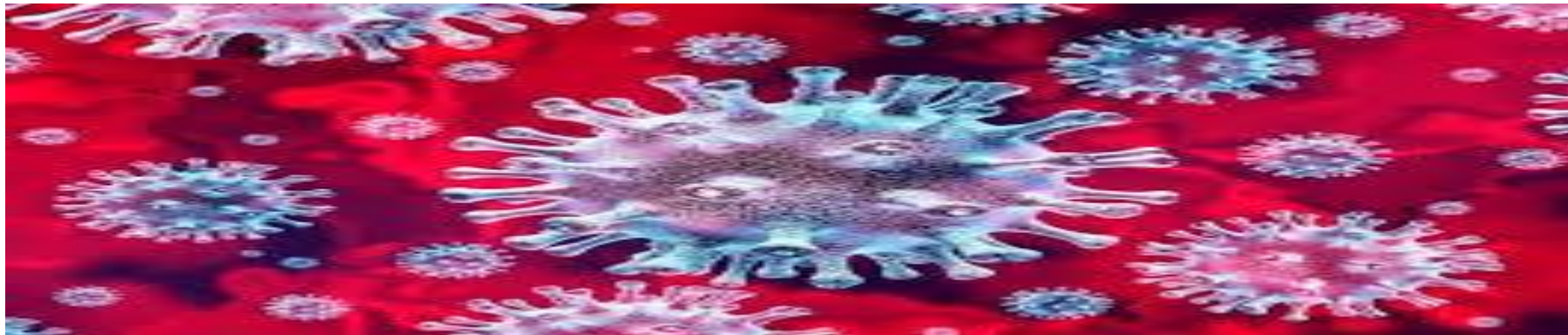


پایان بفرست:

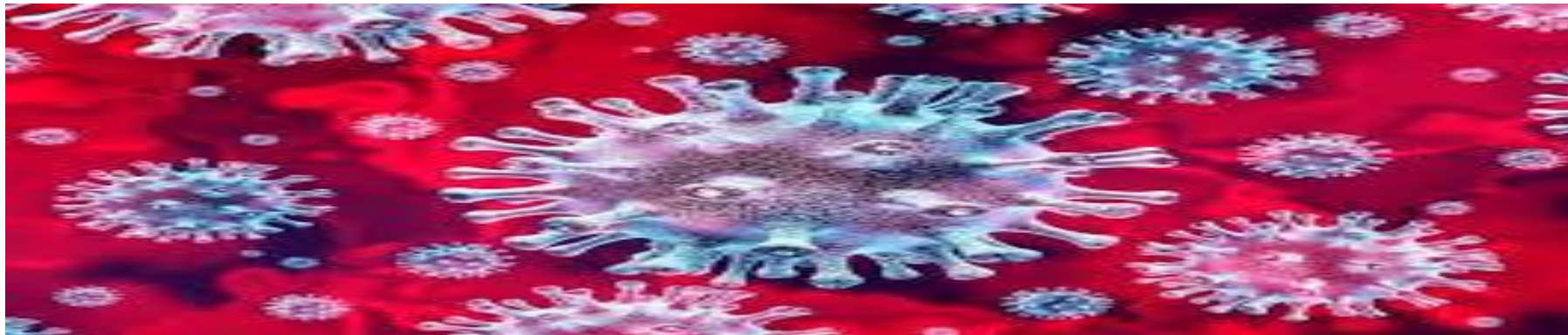


□ در جهان آینده شاید بتوان از سال ۲۰۲۰ و نشانگر بارز آن که همان کروناست به عنوان نقطه عزیمت در اتفاقی شگرف در آموزش عالی یاد کرد. مشروط به این که با بازگشت به شرایط طبیعی میراث ارجمند دوران کرونازده را از خاطر نبردیم و به وضعیت برهوتی مالوف در آموزش بازگشت نکنیم.





□ یا با بازگشت شرایط پس از کرونا، با اتخاذ سیاست‌های مناسب و با پاسداشت تجربه این دوره از بذرهای کاشته شده محافظت شود تا خشک و نابود نشوند و وضعیت برهوتی آموزش عالی با تعقیب اتفاقات تکمیلی در سه گام به سبزی و آبادانی بدل شود:



- ❖ اهتمام به ارتقاء سطح بکارگیری تکنولوژی آنلاین و آفلاین و استفاده کارآمد تر از آن
- ❖ اهتمام به شناخت و کاربرد روش های تحول آفرین آموزش که ضرورتاً متکی به تکنولوژی نیستند.
- ❖ اهتمام نسبت به چشم انداز آموزش پژوهی و تبدیل دانشگاه به دانشگاه آموزش پژوه



# شاد و سرفراز باشید

